

منطق این محاکمات چیست؟!

قریب یک هزار سال پیش، حکیم ناصر خسرو قبادیانی در تشبیه زیبایی گفته است: «خلق همه یکسره نهال خدایند ... هیچ نه برکن تو زین نهال و نه بشکن» و این معنی را در اشعار بسیاری از شعرای ملی دیگر نیز می‌یابیم اما امروزه در پاسخ یک پرسش ساده مبنی بر اینکه رأی انتخاباتی من چه بر سرش آمد؟ هیئت حاکمه چنان دست و پای این نهال را شکسته و میزان تنبیه و مجازات را بالا می‌برد که روح شاعر حکیم را کاملاً آزرده می‌سازد. همین‌طور اگر صحبت استفاده از امکانات مملکتی و حقوق فردی و اجتماعی در بین باشد، به شهروند معترض و عصبانی از گروه محرومان می‌گویند تقسیم غنائم در میان محارم انجام و کار تمام شد و "گر تضرع کنی و گر فریاد جوجه را گربه پس نخواهد داد" خلاصه این رفتار خصمانه و اهانت آمیز تا آنجا پیش رفته و خفقان آور می‌شود که شهروند مستاصل دهبان و آرزو می‌کند که ای کاش دوباره به جنگل پناه برده و از رنج تحمل انواع ستمها رهایی یابد! ... در شماره‌های گذشته پیام جبهه ملی ایران به کرات متذکر شده ایم که متأسفانه روز بروز بر عناوین جرمها یکی اضافه می‌شود و تشخیص‌ها و دستورها فوری برای سلب آزادیها جای قوانین را می‌گیرد و گاهی در محاکمات صد نفری یکصد متهم نامتجانس می‌نشینند و سوالات یکنواخت را پاسخ یکسان می‌دهند، پاره‌ای از رفتارها دقیقاً یادآور مناظر محاکمات جنگی و حرکات غالب و مغلوب می‌شود از حال و هوای دادگاه و جلسه رسیدگی به جرائمی که هیچ کدام قطعی و محقق نیستند کمترین بوی محبت و رافت استنمام نمی‌شود و ... اگر ترتیب جلسات رسیدگی دادگاه برای این است که قاضی نکات مبهم پرونده را روشن و برای صدور حکم نکته تاریکی باقی نماند این نیت در حالی که از وجود وکیل در طی جریان محاکمه خبری نیست و نکات مربوط به بی‌گناهی متهم با استفاده از مقررات قانون گفته نمی‌شود طبعاً استوار و بر حق بودن حکم صادره محل تردید قرار می‌گیرد و معلوم نمی‌شود در اتهامهایی که به شخص وارد شده خود او تا چه حد دخیل و عاقد بوده است و اساساً از جانب او عمل خلاف قانونی صورت گرفته است یا خیر؟ توجه بفرمایید: دختر پسر دانشجویی حین رفتن به دانشگاه بدون شرکت در تظاهر و اجتماعی، ناگهان در محاصره ۱۰ نفر مأموران نظامی قرار گرفته و به شدت مضروب، بعد با زداشت و تحویل بازداشتگاه شده و تارسیدگی به پرونده منتظر تعیین تکلیف می‌ماند و چند ماه می‌گذرد، جوان کتک خورده دست و پا شکسته علاوه بر اینکه عذاب ایام بازداشتی را تحمل می‌کند در دادگاه نیز به مجازات شلاق و جریمه محکوم و از همه بدتر موقعیت و پایان تحصیلات خود را از دست می‌دهد، این همه مجازات و مجموعه آنها برای جوانی که در خیابان تظاهراتی را تماشا کرده یا اصلاً در آن تظاهرات شرکت داشته و گرفتار شده است، آیا از نظر قاضی بی‌طرف و عادل آنهمه مجازات برای یک عمل مجرمانه!! در صورتی که حکم صادر شده باشد منطبق با نظر قانونگذار بوده و متناسب تلقی می‌شود؟ پاسخ بدون شک منفی است و همه را با یک چوب راندن نظام خود سازمان دادگستری را بر هم می‌زند و سبب صدور احکام ناموجه می‌گردد. اما داستان اعدام کودکان کمتر از هجده سال واقعا دردناک و از هر حیث قابل اطمینان نظر و دقت است و جا دارد مقالات بسیاری دادرسان را آگاه نمایند. آری مجرمین نوجوان و مجازات اعدام برای آنها موضوع دیگری است که آرزومندیم قضات و وکلای محترم دادگستری در صدد اصلاح قانون و رویه به طور جدی باشند اینکه اعدام نوجوانان در سن زیر سن قانونی مثلاً برای نوجوان چهارده ساله ای که در یک نزاع دسته جمعی انجام قتل را به او نسبت داده اند حکم اعدام صادر شده ولی اجرای حکم به بعد و رسیدن سن محکوم به سنی که بر رشید شناخته می‌شود موکول شده است. باید بیورسیم که منطق این کار چیست؟ البته از این نظر که محکوم را طبق قانون و مقررات چند سال یا چند ماه فرصت زیستن بیشتر در زندان را می‌دهند تا سواد بیاموزد و حرفه ای یاد بگیرد و با روحیه متفاوت بخشوده شده و به جامعه بازگردد اقدام شایسته و انسانی صورت می‌گیرد ولی دادن مهلت به محکوم برای حصول شرایط که در تاریخ ارتکاب فراهم نبوده به قصد اینکه او را به هر حال اعدام نمایند نیست و درست بمنظور ارفاق به مجرم خطاکار پیش بینی شده است. اگر غیر از این فکر بکنیم دادن مهلت تا رسیدن به سن قانونی عاقلانه نخواهد بود حال و در برابر اینهمه ولع و اصرار برای اعدام جوانها پیشنهاد می‌کنیم یک چند نیز اعمال محبت و دوستی را آزمایش و سینه‌ها از غبار کینه و نفرت پاک نماییم. حکیم و شاعر جهانی عمر خیام شاید با تجسم مناظر شکستن بلور قامت جوانان است که می‌فرماید: ... این کوزه گر دهر چنین جام ظریف - می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش. ممکن است عده ای بگویند این قبیل عقاید متعلق به هزار سال پیش است پس چشمها را ببندید و چند بیبی از چکامه شور انگیز مرحوم علامه طباطبایی زمزمه کنید:

بود کیش من مهر دلدارها	همی گویم و گفته ام بارها
بروندند زین جرگه هشیارها	پرستش به مستی است در کیش مهر
بریدند از دام جان تارها	مهین مهرورزان که آزاده اند
چه حلاج‌ها رفته بر دارها	چه فرهادها مرده در کوهها

راستی که با مهر حیات بخش انسانها نسبت به یکدیگر زندگی چقدر زیبا و دوست داشتنی است.

خرد پیشه ای توانا خرقة تهی کرد

استاد مهندس علیقلی بیانی، آخرین یادگار گرانقدر از جمع چهل و چند نفر مؤسسان حزب ایران در سال ۱۳۲۳ شمسی بود. او متولد ۱۵ بهمن ماه ۱۲۹۱ بود و در روز ۸ شهریور ۱۳۸۸ در تهران درگذشت و در قطعه نام آوران بهشت زهرا چهره بر خاک نهاد. شادروان مهندس بیانی شخصیتی پاک سرشت و دانشمندی سراپا عاشق خدمت به مردم بود و از تظاهر و خودستایی سخت بیزار. او عنوان عضویت مؤسس در تشکیل حزب ایران و تداوم عضویت به مدت بیش از ۶۵ سال را از افتخارات قطعی خود می‌دانست و اصولاً از معتقدان استوار به ایجاد حزب و تشکل‌های جمعی به منظور مشارکت در تکوین دموکراسی و آزادی در مملکت بود؛ زنده یاد مهندس بیانی پس از شرکت در مسابقه اعزام محصل به خارج در سال ۱۳۱۱ به فرانسه رفته و طی چند سال اشتغال به تحصیل در دانشکده‌های فرانسه و انگلستان در رشته تخصصی مهندسی (هیدرولیک) به وطن بازگشته بود. در آن تاریخ عموماً باوجود کار و کوشش مظاهر فقر و فساد و عدم رعایت عدالت در گردش امور همه جامعه مشاهده می‌شد و البته این مناظر در نگاه جوانان از فرنگ برگشته زنده تر می‌نمود و سیستم سنتی برای وارد شدن آنان به میدان فعالیت مساعدت نمی‌نمود و لذا تعدادی از مهندسی‌نیکار و یا مشغول در قسمتهای غیر مرتبط با رشته‌های تحصیلی خود بودند. قبل از تشکیل حزب ایران کانون مهندسان ایران در سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۲ برای کسب حقوق صنفی و انجام فعالیت‌های سیاسی تشکیل شده و برنامه‌های اعتصاب به منظور به رسمیت شناختن امتیازاتی که از آنها محروم بودند تا حدی موفق شده بود. لذا حزب ایران به دنبال فعالیت‌های کانون به ویژه با تلاش چند نفر از آنها و نوشتن اساسنامه و مرامنامه و تعیین شعارهایی نظیر: کار، داد، آزادی و با فکر ایرانی و به دست ایرانی، برای ایران و نوشتن بروشورهای حزبی موجود در تمام مدت فعالیت حزب کلاسهای تعلیماتی و آشنایی با مردم و نشر عقاید حزب و سخن رانی‌های هفتگی با آن مرد وارسته بود. شادروان مهندس بیانی مکرر به دوستان توصیه می‌کرد هر کس استعداد و تخصصی در زمینه انجام برنامه‌های ملی و طرحهایی در این موارد دارد باید ارائه نماید، این خودخواهی مضر است که بگوئیم طرحهای تاثیرگذار در بهبودی و رفاه زندگی عامه مردم تنها به وسیله خود ما میسر است. بر اساس این فکر بود که طرح جامعی در مورد نحوه استفاده‌های صحیح از آبهای کشور تهیه کرده بودند، در این مورد و کارهای فرهنگی و ترجمه و تالیف باید مقاله جامع جداگانه در مورد سد سازی‌ها، لوله کشی آب شهر تهران و ساختن مسکن برای کارمندان تهیه نمود روانش شاد و قرین آرامش باد.